

مارکسیست

نظریه پرداز: مارکس تولد: ۱۸۱۸ وفات: ۱۸۸۳ نام کتاب: سرمایه مربیان معروف: ناژیا کرویکایا زن
لنین و آنتون ماکارمکد

اصول مارکسیست از دیدگاه مارکس:

کلمات کلیدی: منتقد نظام سرمایه داری، ابزار تولید در کنترل سرمایه داری، فرهنگ رو
بنا اقتصاد زیر بناست، تنزل کارگران در حد کالا، نیروی انسانی و شبه حیوان، نقش آزادی
، مالکیت خصوصی، تکثر و عبور کاپیتولاسیون از مرزها، عدم انسجام کارگری و حفظ
همبستگی، عوامل بازدارنده انقلاب

مارکس بیشتر در حوزه اقتصاد سیاسی نظریه پردازی کرده است. ذیلا گزیده دیدگاههای او آمده است:

۱. منتقد نظام سرمایه داری: مارکس به شدت منتقد نظام سرمایه داری بود و معتقد بود که نظام سرمایه داری شیفتگی خاصی برای انباشت سرمایه به دست افراد محدودی دارد و فاقد مسئولیت های اجتماعی است.
۲. ابزار تولید در کنترل سرمایه داری: مارکس معتقد بود که نیروهای مادی (ابزار تولید) در نظام صنعت و صنایع در کنترل سرمایه داران است و آنها سعی می کنند که از کارگران به عنوان نیروهای ارزان قیمت در جهت تولید بیشتر استفاده کنند.
۳. فرهنگ رو بنا اقتصاد زیر بناست: مارکس معتقد است اقتصاد زیر بناست و سطح زندگی اجتماعی آدم ها تابع وضعیت اقتصادی آنهاست. همچنین او می گوید فرهنگ روبناست و اقتصاد زیر بنا. افکار مارکس در غرب تحت عنوان نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت مطرح شد ولی آنها فرهنگ را زیر بنا می دانند.
۴. تنزل کارگران در حد کالا: مارکس می گوید در نظام سرمایه داری کارگران در حد یک کالا تنزل می کنند. کارگران مجبورند نیروی کار خود را به قیمت پایین به سرمایه داران بفروشند. او می گوید در این نظام کاپیتالیستی ضعفا توسط اغنیا به بند کشیده می شوند و جامعه به دو بلوک اغتیا و ضعفا تقسیم می شوند.
۵. نیروی انسانی و شبه حیوان: در نظام کاپیتالیستی وقتی کارگر کار می کند، کالاهای مورد نظر سرمایه دار را تولید می کند و در قبال آن فقط حقوق دریافت می کند و نگاه سرمایه دار به کارگری انسانی است نه یک انسان. پس کارگر از خود بیگانه می شود. در این نظام کارگران در حد یک حیوان یا شبه حیوان حیاطشان تنزل پیدا می کند.

۶. **نقش آزادی** : مارکس در خصوص آزادی در مورد کارگران می گوید ، اگر چه برای ادامه حیات ضروری است اما نقش اساسی ای ندارد (نقش سازنده ندارد)
۷. **مالکیت خصوصی** : مارکس معتقد است مالکیت خصوصی که اصل اساسی در کاپیتولاسیون است باعث می شود مالکین منطقه فقط به خودشان فکر کنند نه حقوق کارگر . وی اعتقاد دارد مالکیت خصوصی که رکن رکن کاپیتولاسیون است باید برچیده شود و زندگی جمعی جایزین آن شود .
۸. **تکثر و عبور کاپیتولاسیون از مرزها** : نظام کاپیتالیستی نظامی است که دائما به دنبال تکثیر و تکثر و انباشت سرمایه است و مداوم ابزار جدیدی را تولید می کند . ابزار جدید ، بازارهای جدید و نیروی انسانی ارزان باعث می شود که کاپیتالیسم از مرزهای ملی عبور کرده و به سایر کشورها رفته و بین المللی شود و شکاف طبقاتی در سطح بین المللی گسترش می یابد و جهان به دو قطب برخوردار و غیر برخوردار تبدیل می شود . مارکس معتقد است در این حالت و با توجه به اینکه نظام قبلی نظام کشاورزی و ارباب رعیتی بوده و ابزار تولید زمین بوده است ، با توجه به رشد صنعتی حاصل شده اربابها به سرمایه دار تبدیل می شوند و کارخانجات و صنایع جای ابزار تولید قدیم (زمین) را می گیرند و سیل عظیمی از نظام فئودالیستی به سمت شهرهای صنعتی و نیمه صنعتی عزیمت می کند. بنابراین نیروی کار جدید همان دهقانان قدیم و سرمایه داران خان و اربابهای گذشته می باشند . وقتی خیل عظیمی از این نیروها به شهرها هجوم آوردند ، آستن حوادث می شود و زمینه بروز تضاد و شکاف طبقاتی عظیم را به وجود خواهد آورد ، این شکاف روز به روز بیشتر شده و طبقه کارگر دست به انقلاب زده و طبقه سرمایه داری را سرنگون می کند . و هیچ راهی هم جز انقلاب نیست . انقلاب کارگری باید رخ دهد تا کارگر نجات یابد . مارکس می گوید در این حالت کارگران جز زنجیرهایی که بر دست و پایشان دارند چیزی ندارند از دست بدهند :
۹. **عدم انسجام کارگری و حفظ همبستگی** : انقلاب کارگری اتفاق می افتد اما کارگران به دلیل توده ای بودن و اینکه فاقد انسجام اجتماعی هستند باید در قالب اتحادیه منسجم شوند . به اعتقاد مارکس قدرت کارگران فقط در حفظ همبستگی آنها نهفته است . در پی انقلاب نظام کاپیتالیستی به نظام آرمانی مورد نظر مارکس یعنی نظام سوسیالیستی تغییر می یابد
۱۰. **عوامل بازدارنده انقلاب** : مارکس تحت تاثیر فوئر باخ این ادعا را داشت که عوامل بازدارنده انقلاب متعدد هستند و دین یکی از آنهاست . وی دین را افیون توده ها می دانست . چون اعتقادات دینی توجه مردم را به ضرورت اصلاح و نه انقلاب منحرف می کند. او معتقد بود عملی ارزشمند است که انقلابی باشد حتی عمل خشن انقلابی .

آراء تربیتی (نظام تربیتی) بر آمده از مارکسیست :

۱. **تربیت برای جامعه آرمانی** : مارکس معتقد بود که جامعه آرمانی یک جامعه کمونیستی و سوسیالیستی است پس باید افرادی تربیت شوند که زمینه تحقق آن جامعه آرمانی را فراهم کنند. یعنی افرادی که بتوانند یک موج انقلابی به راه بیاندارند.
۲. **آموزش رهایی بخش و انقلابی** : از نظر مارکسیست ها نیاز به یک تعلیم و تربیت آزادی بخش ، رهایی بخش و انقلابی است . این مدل باید نسل موجود را آگاه کند ، طبقه محروم را آگاه و هوشیار کند و یک نهضت اجتماعی ایجاد کند ، تا پایه های ظلم و ستم را بگسلد .
۳. **نقش معلم و دانش آموز**: تعلیم و تربیت در نظام کاپیتالیستی به مهار فرهنگی گروه تحت سلطه می پردازد بنابراین تربیت یک نوع کنترل نرم است ، کنترل افکار و یا نگاه است و در جهت مقاصد سرمایه داری است . از نظر مارکسیست این نظام باید با یک انقلاب برچیده شود . در این میان معلم یک رهبر است و دانش آموزان هم مبارزان آن . پس تربیت یک نوع مبارزه سیاسی اجتماعی است و کار مریبان آماده سازی برای این مبارزه سیاسی اجتماعی است .
۴. **فلسفه در مارکسیزم** : مارکس معتقد است که کار فلسفه شناخت جهان نیست بلکه تغییر جهان است و تعلیم و تربیت باید در خدمت بازسازی ونوسازی جهان باشد .
۵. **نظام تربیت در مارکسیزم** : یک نظام انقلابی و عمل محور است و کارش نهضت آفرینی ، به پا خیزی و ... است
۶. **آراء مریبان تعلیم و تربیت مارکسیزم** : مارکسیست ها دو مربی معروف دارند همسر لنین بنام ناژیا کروپسکایا و آنتون مارکار مکو . هر دو معتقد بودند که در تعلیم و تربیت ، پرورش شعور اجتماعی سوسیالیستی باید مورد تاکید قرار گیرد و همبستگی گروههای اجتماعی را تسهیل کند ، و مدرسه معرف یک زندگی جمعی باشد ، معتقد بودند مدرسه جایی نیست که در خود گرایی تفکر کنیم ، بلکه ارزشهای جمع گرایی باید دیده شوند و نباید اجازه داد اصول وارزشهای سرمایه داری در تعلیم و تربیت سوسیالیستی نفوذ کند . بعد ها اندیشه های سوسیالیستی در مریبا نفوذ کرد که آنها را تحت نام نومارکسیست ها می شناسیم مثل پائولو فرر
۷. **تعلیم و تربیت عمل محور** : تعلیم و تربیت در مارکسیست عمل محور کار محور است . یعنی تلفیق نظریه و عمل جمعی است . رویکرد تربیت مارکسیستی رویکردی است در باره تغییرات عمیق اجتماعی و تحقق آنها . معتقدند تعلیم و تربیت باید عمومی باشد که یکی از مصالح اجتماعی است . در مدارس باید اندیشه های مارکسیستی ترویج داده شود .

نقد و بررسی :

آنچه به عنوان محدودیت جدی در تفکرات مارکسیستی است آن است که به علت کنترل شدید بر دستگاه تربیتی و برنامه های درسی و بی توجهی به آزادی ها در واقع به نوعی کار همان کاپیتالیزم را انجام می دهد .

نظرات مارکسیزم یک مقدار آرمان گرایانه است و با واقعیت خیلی نزدیک نیست . مارکسیست ها
ماتریالیست هم هستند .